

مولانا سیّد مکرم حسین و قصیده‌های از او در رثای امام حسین علیه‌السلام

سیّد محمّد کمال‌الدین حسین همدانی*

حجّة‌الاسلام مولانا سیّد مکرم حسین از جمله علمای فاضل و متقی عصر خود از خانواده سادات عابدی از همدان بود که در قصبه جلالی، بخش علیگر، از ایالت اُتارپرادش متولد شد و بنابر علم و فضل خود به اجتهاد فایز گشت. جدّ وی جناب سیّد ارشاد علی و پدرش جناب سیّد وارث علی در استان راجستان خدماتی انجام می‌دادند و به شایستگی از عهده امور دشوار برمی‌آمدند. چون پدرش برای انجام خدمات رسمی در تجاره به سر می‌برد، سیّد مکرم حسین در تجاره تحصیلات مقدّماتی را فراگرفت. او در این باره در تألیف نسبنامه سادات جلالیه موسوم به خلاصه الانساب چنین می‌نویسد: "در اوایل ازمنه به تحصیل علم در تجاره پرداخته".

احوال مفصل مولانا سیّد مکرم حسین در تذکره بی‌بها فی تاریخ العلماء تألیف مولانا سیّد محمّد حسین نوگانوی و مطلع انوار تألیف حجّة‌الاسلام مولانا الحاج سیّد مرتضی حسین آمده است. مطلع انوار در مرکز تحقیقات اسلامی خراسان، ۱۰-۱۲ سی گلبرگ، فیدرل بی ایریا، کراچی در سال ۱۴۰۲ هـ/ ۱۹۸۱ م به چاپ رسیده است.

احوال مولانا سیّد مکرم بنا بر این مأخذ بدین قرار است:

سیّد مکرم حسین که به جلالی در بخش علیگر علاقه داشت، فارغ‌التحصیل لکهنو بود. قائمه‌الدین محمّد علی، مولانا احمد علی محمّدآبادی و ممتازالعلماء سیّد محمّد تقی از جمله استادان وی بودند. همچنین مفتی محمّد عبّاس، تاج‌العلماء مولانا علی محمّد،

* استاد و رئیس اسبق بخش طب یونانی دانشگاه اسلامی علیگر، علیگر.

عمادالعلما میر آغا و مولانا زین‌العابدین مازندرانی اجازهٔ اجتهاد به وی اعطا کردند. به علاوه ممتازالعلما به وی اجازهٔ پیش‌نمازی هم داده بود و بنابراین سید مکرّم حسین مجتهد امامت نماز جمعه و جماعت مسجد جامع شاهی سادات جلالی را به عهده گرفت.

مولانا سید مکرّم حسین در ریاضی، فقه، طب و علم رجال و غیره مهارت داشت. مولانا جعفر حسین بدایونی معترف و مدّاح علم و فضل وی بود و می‌گفت که وی در علم رجال چنان مهارت داشت که گویا دورهٔ هر راوی را خودش دیده بود. وی در سرودن شعر هم تبخّر داشت. هفت بند در مدح حضرت امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب را به سبک و شیوهٔ هفت بند محتشم کاشانی به فارسی سرود. علاوه بر این، وی نوحه‌ای هم به فارسی سرود که با نسخهٔ خطّی هفت بند در یک مجلد است.

آثار

رسالهٔ نوروز، رساله در بحث طهارت، رساله در بحث نماز جمعه، اختیارات، نسب‌نامهٔ سادات جلالی، هفت بند در مدح امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب به فارسی از جمله آثار این مجتهد است که در خانوادهٔ وی تاکنون حفظ می‌شوند.

مولانا سید مکرّم حسین کتابخانه‌ای هم داشت که نبیرگان وی این کتابخانهٔ بزرگ را برای استفادهٔ استادان و دانشجویان مدرسهٔ الواعظین در لکهنو به نجم‌العلما مولانا سید نجم‌الحسن اهدا کردند. کتابهای این کتابخانه در مدرسهٔ الواعظین تاکنون حفظ می‌شوند و دارای حواشی به قلم خود مولانا سید مکرّم حسین‌اند.

وفات

مولانا سید مکرّم حسین بعد از خدمات شایان به علم و فضل و هدایت و ارشاد، در روز نهم ربیع‌الثانی ۱۳۰۵ هـ/ ۱۸۸۷ م در شصت‌سالگی بدرود حیات گفت و در قسمت شرقی امام‌بارهٔ محلهٔ گرهی مدفون شد. نواب جعفر علی خان صفوی، از اهالی شمس‌آباد در بخش فرخ‌آباد آثار پیرادش، قطعهٔ تاریخ وفات مولانا را سرود که روی لوح مزار وی نقش شده است:

قطعه تاریخ وفات

جلالی وطن مجتهد نیک طینت حکیم آل طه سراپا لیاقت
 ز دار فنا سال بستم گرفته «مکرم حسین آه بحر کرامت»
 (۱۳۰۵ هجری)

نظم تاریخ وفات

سید قدسی جمال فاضل صاحب کمال آنکه به نورش همان در حکم و فقه و رای
 آنکه ز دریاب علم یافته دریاب علم ملکه هر باب علم صد سند و دلگشای
 مجتهد عهد خویش پیشرو اهل کیش عدل وی از علم پیش علم وی از خیر و رای
 چاشت ز روز نهم بود ربیع دوم کز چمن دهر شد سوی جنان رو گرای
 در غمش از جانبین کرد ملک شور و شین
 «وای مکرم حسین مجتهد العصر وای»
 (۱۳۰۵ هجری)

مولانا سید مکرم حسین با بی بی صغری بیگم دختر سید تراب علی مقیم محلّه
 مبارک جلالی عقد ازدواج بست و صاحب پسری به نام مولانا سید اعظم حسین و سه
 دختر شد. دختر بزرگ، بی بی کلثوم فاطمه، در عقد ازدواج سید امیر حیدر درآمد و
 دختر دیگر، ذکایی فاطمه، با سید اشفاق حسین ازدواج کرد. دختر سوم، بی بی رضوی
 بیگم، با سید علی اکبر از عمایده قصبه جلالی عقد ازدواج بست.

نوحه

فلک هر صبح از چشم شفق خون بر جهان ریزد
 زمین بر روی خود گردد مصیبت هر زمان ریزد
 سزد گر ماه روشن، همچو رنگین سبزه‌رو گردد
 سزد گر، همچو شبنم اشک حسرت کهکشان ریزد
 نمی‌دانم چه قهر است این، ندانم کین چه آفتهاست
 قیامت از زمین خیزد بلا از آسمان ریزد
 به جنت حور و غلمان سینه کوبانند عریان سر
 چو بر ناموس پیغمبر^(ص) بلایی ناگهان ریزد

به غارت بُردن رختِ حرم رفتند بدکیشان
 چو در وادی، هجوم رهنزان بر کاروان ریزد
 عجب نبود ز فریاد سکینه کز حرم خیزد
 شرار قهر جبار ازل از آسمان ریزد
 چه قهر است این که اولادِ پیغمبر^(ص) تشنه لب میرد
 یزید بی حیا شیر و شکر در کامِ جان ریزد
 چو میرد نوجوان، هم‌شکل پیمبر^(ص)، علی اکبر
 ز بیتابی سرشک غم ز چشم قدسیان ریزد
 ز حسرت سوی خیمه بنگرد عباس نام‌آور
 چو مشک از دوش و آب از مشک، از تیر و سنان ریزد
 چه می‌پرسی ز حالِ بنتِ زهرا ثانیِ مریم
 به زندان با سرِ عریان سرشک ارغوان ریزد
 چه سنگین دل که آبِ زهر جای شربت شیرین
 به حلق نازک اصغر ز تیر خونفشان ریزد
 اساس نسلِ سادات آن مریض خسته جان تنها
 به زنجیر و سلاسل خون ز پای ناتوان ریزد
 رفیقان و عزیزان تشنه لب پیش خدا رفتند
 الهی بر شهیدان ابرِ رحمت جاودان ریزد
 در آن صحرای پرآتش که مردان دلاور را
 ز تاب مهر روغن گشته مغز استخوان ریزد
 خدا رسوا کند سعد و یزید و شمرد و خولی را
 که بر آل پیمبر^(ص) از ستم کوه‌گران ریزد
 نه پای رفتن و نی طاق صبرِ ستم ماند
 چو در غربت مصیبت بر سر بیچارگان ریزد
 رسد بهر تماشای شهیدان سعدِ سنگین دل
 غبار پای توسن در دهان کُشتگان ریزد
 به خون و خاک افتاده همه لختِ دل زهرا
 چو برگ لاله و نسرين به فرش بوستان ریزد

حسین بن علی درمانده باشد بیکس و تنها
 ز هر سو ابر تیغ و خنجر و تیر و سنان ریزد
 قرار جان زهرا، شهسوارِ دوش پیغمبر^(ص)
 به زخم نیزه غلطان بر زمین خون از دهان ریزد
 معاذالله از جور یزید و شمر بد گوهر
 که خون حلق ابن مصطفی بر خاکدان ریزد
 چو ظالم بر گلوی تشنه سید کشد خنجر
 فلک لرزد، ملک گرید، زمین جنبد، جهان ریزد
 دم آخر شه [مضطرب] چو خواهد جرعه آبی
 سیه دل در جوابش طعنه‌های جانستان ریزد
 مگر جای دل آهن بود در پهلو ستمگر را
 که از طوق و سلاسل بر حرم بارِ گران ریزد
 ز عدل داور محشر نترسد لشکر ظالم
 که آب گرم خنجر در گلوی تشنگان ریزد
 حسین بن علی کز کوه ثابت‌تر قدم باشد
 نجنبد از ره حق گر به سر کوه گران ریزد